

مقایسه عددی مشترکات مولفه ای مداخلات بازآفرینی حفره های شهری تهران و برلین

بابک راشدی^۱ *غزال کرامتی^۲، ویدا نوروز برازجانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

چکیده:

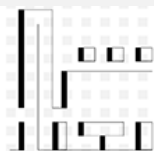
با وقوع انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ میلادی، تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظام تولید و مصرف جوامع انسانی حاصل گردید که می توان گفت شهر و شهر نشینی وارد مرحله ی جدیدی از سیکل تحولات خود شده که هیچ نشان و آثاری از آن در دوره های قبل وجود نداشته است؛ گستردگی تغییرات و تحولات تا حدی بوده که منجر به ظهور جنبشی تحت عنوان مدرنیسم و نوگرایی در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته شد که برای تحکیم الگوهای فکری و اصول خود شهرها به عنوان خاستگاه تحولات انتخاب کرد. هدف از این پژوهش بررسی وضعیت میزان اثر گذاری مولفه های مداخلات باز آفرینی در برخورد با حفره های شهری در بافت تاریخی دو شهر برلین (به عنوان پایتخت کشور توسعه یافته) و شهر تهران (به عنوان پایتخت کشور درحال توسعه) می باشد. روش تحقیق تو در تو کیفی در کمی از نوع لانه به لانه می باشد ابتدا اشتراکات نحوه برخورد با حفره های شهری استخراج و سپس براساس پروژه های معرفی شده و پرکردن میزان اثر گذاری مولفه های در مرحله کمی و با پرسشنامه طیف ایکرت از اندیشمندان پرسیده می شود در بخش کیفی از نرم افزار ATLASTI و در بخش کمی از نرم افزار GRAPHER بهره گرفته می شود نتایج نشان می دهد که از اشتراکات مولفه ای مداخلات باز آفرینی بیشترین سهم عاملی مربوط به تغییر کاربری و ایجاد فضاهای عمومی با مقدار (۱/۰۰۰) و کترین مربوط به ایجاد سرزندگی با مقدار (۰/۲۵۵) است. و در گروه ایران بیشترین ضریب تعیین مربوط به تغییر کاربری با مقدار (۰/۹۶۲) و کمترین مربوط به استفاده از ساختار خاص با مقدار (۰/۲۱۳) است.

واژگان کلیدی: مقایسه عددی، مداخلات بازآفرینی، حفره های شهری، ایران و برلین

۱ پژوهشگر دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی.

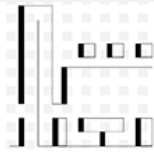
۲ استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد، تهران - ایران (نویسنده مسئول).

۳ استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی.



مقدمه

شهرنشینی قرن ۲۰ تحت تأثیر تغییرات و تحولات جریان مدرنیسم و پیشرفت‌های حاصل از دگرگونی‌های انقلاب صنعتی بر پایه خرد و قدرت تکنولوژیکی شکل گرفت (پوراحمد و وفایی، ۱۳۹۶). تکیه بیش از حد به قدرت تکنولوژی و فناوری، تمرکز امکانات آسایشی و رفاهی در شهرها، گسیل و رسوخ بی‌سابقه‌ی جمعیت به شهرها، تبدیل شدن زمین به عنوان سرمایه و منبع سودآوری، منجر به پیدایش اصول شهرسازی ماشینی، بولدوزری (بکوب و بساز)، پیدایش پهنه‌های فاقد اصول معماری و شهرسازی و رهاسازی برخی عناصر کالبدی - فضایی در کلیت ساختار شهرها در گذر زمان گردید (نقی‌زاده، ۱۳۷۹) که برآیند تحولات یاد شده، برجای ماندن چشم‌انداز و چهره‌ای زشت و غیرمتعارف از شهرها بوده که روز به روز ضرورت و اهمیت مداخله و برخورد با این عناصر کالبدی از سوی مدیران شهری و اندیشمندان حوزه مرمت، معماری و شهرسازی بیش از پیش احساس گردید. مداخلات و برخوردها در عناصر و بافتهای رها شده که در این مقاله از آنها به عنوان حفره‌های شهری در بافت تاریخی یاد می‌شود، در هر کشور و حتی در هر شهری با توجه به زمینه‌ها و بسترهای اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و تاریخی و فرهنگی حاکم بر آن جامعه متفاوت بوده است. این تفاوت بیشتر در نحوه برخورد و نوع نگاه نهادهای ذی‌ربط در حوزه مداخلات و نوسازی شهری، از مدیران شهری و سیاسی گرفته تا اندیشمندان حوزه معماری و شهرسازی و مهندسين مشاور قابل‌مشاهده می‌باشد، برای مثال در دو کشور آلمان (به عنوان کشور توسعه‌یافته) و کشور ایران (به عنوان کشور در حال توسعه)، پایتختها (برلین و تهران) در طی یک قرن اخیر به کانون تمرکز بحران‌ها و تحولات سیاسی - نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده بودند که برآیند کالبدی - فضایی این تحولات و دگرگونی‌ها رهاسدگی بناها و به زوال رفتن بافتهای تاریخی و قدیمی شهر بود که از این نکته نظر می‌توان گفت هر دو کشور به لحاظ بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی و تخریب ساختار کالبدی و فضایی شهر، تشابهات و تجربه‌ی مشترکی از سرگذرانده‌اند؛ ولی رویکرد مداخله‌ها و برخوردهایی که با تک بناهای تاریخی در این دو شهر وجود داشته کاملاً متفاوت بوده و رسالت اصلی مقاله‌ی حاضر این است که زمینه‌های ظهور و توسعه حفره‌های شهری و نحوه برخورد با آنها در دو شهر تهران و شهر برلین مورد کنکاش قرار دهد تا تفاوت و تشابهات نحوه برخورد در این دو شهر آشکار گردد. مجموعه‌ی تحولات شهری در کلانشهر تهران، موجب پدید آمدن حفره‌هایی در مقیاس‌های مختلف در سطح شهر شده است که یا به حال خود رها شده و یا نزدیک‌ترین راه حل برای اصلاح آنها، تخریب و نوسازی بوده است. وجود مشکلاتی همچون جنگ و کمبود منابع در تاریخ متأخر تهران، بی‌توجهی به این کلانشهر را تشدید نمود. برلین نیز شهری نه با سرنوشتی موازی یا مشابه با تهران؛ با سرگذشتی منحصر به فرد، تجربه‌ی پدید آمدن و اصلاح حفره‌های خود را در دو دوره‌ی زمانی جنگ دوم (تقسیم آلمان به دو بخش شرقی و غربی)، جنگ سرد و سپس اتحاد دو آلمان را تجربه کرده است و مجموعه تحولات سیاسی، جنگ، صلح، جدایی، اتحاد، بازسازی، ورود سرمایه، توسعه و مفاهیمی از این دست که هر دو شهر، هر یک به شکلی از سرگذرانده‌اند، منجر به پیدایش بافتهای محبوسه‌ها و ساختمانهای رها شده یا حتی کنج و گوشه‌هایی تجربه کرده‌اند، که نیازمند تغییرند. آنچه که بیش از پیش مایه‌ی نگرانی است، روند توسعه‌ی شهر به قیمت تخریب میراث معماری، معماری صنعتی، باغها و تاریخ آنها است، در همین راستا نوشتار پیش رو، به مطالعه تطبیقی وضعیت حفره‌های شهری در شهر برلین پایتخت کشور توسعه یافته آلمان و شهر تهران پایتخت ایران پرداخته است تا بر این اساس روند نوسازی مراکز تاریخی و اثرات آنها، اصول مشترک بین کشورها و الگوها و شیوه‌های مناسب آنها شناسایی و نگرش و دیدگاه جامع تر و کامل تر حاصل آید. هدف این



پژوهش استخراج مولفه های مداخلات بازآفرینی و بررسی میزان سهم عاملی هریک از آنها می باشد و سعی دارد به این سوال پاسخ بدهد که اشتراکات مولفه ای در قالب مداخلات بازآفرینی کدام است و مدام یک از آنها نقش پررنگ تری دارد؟

مبانی نظری:

ظهور کاربریهایی جدید در زمینه های تاریخی

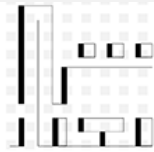
شهر به واسطه ی معماری، پیوسته در حال تغییر است و سیر تحول دائماً ادامه دارد و معماری امروز میراثی برای آیندگان و بخشی از هویت جدید شهر است (Morris, 2013). در دوره مدرن یکی از پیش نیازهای اساسی و اصلی برای حفظ و اعتلای میراث تاریخی و فرهنگی جامعه، احداث ساختارهای جدید در بستر و زمینه های تاریخی و بافت شهر است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶). بناهای قدیمی و تاریخی با توجه به جایگاه و ارزشی که در ارتباط با هویت و فرهنگ جامعه دارند، نیازمند حفاظت و احیا هستند که این اصلاحات و تغییرات در دو جهت انجام می گیرد، در مرحله ی نخست، به تخریب بخش هایی از بناهای تاریخی و قدیمی پرداخته می شود که میزان کارایی و انعطاف پذیری بنا را کاهش می دهند و از سویی دیگر، به منظور ایجاد بخش هایی منعطف و عملکردی که در راستای مصرف و رفع نیازهایی گروه خاصی می باشد، به بنای تاریخی اضافه می شود (Warren et al., 1998). قابل ذکر است، شکل گیری چنین نگاه و برخوردی با بناهای تاریخی و قدیمی، حاصل تجربه ای طولانی است که در بطن آن زمینه های عینی و ذهنی نهفته است، قطع روند تاریخی معماری و شهرسازی با نهضت مدرن، از میان رفتن ارزش ها در فضاهای شهر در بازسازی های پس از جنگ جهانی دوم و نتایج عموماً زیان بار آن در معماری و شهرسازی، موجب جلب توجه برخی از متفکران به ملاحظاتی جهت طراحی در زمینه های موجود در اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 گشت، به گونه ای که به تدریج در کنگره ها و نشست های جهانی به اهمیت موضوع اصلاح نگرش و برخورد به بناهای تاریخی و قدیمی در بافت های شهری پرداخته شد (Meskell, 2012).

در بخش نهم کتاب راهنمای مدیریت برای محوطه های میراث جهانی (برنامه ریزی شهری و شهرهای دارای آثار باستانی) که از گزارش اجلاس مشترک "ایکروم" و "ایکوموس" استخراج شده است، برای نخستین بار از واژه بناهای میان افزا در ارتباط با ساختارهای جدید در بسترهای تاریخی استفاده شده و در مورد ویژگی های آن توضیحاتی ارائه شده است (Machat et al., 2008; Jokilehto, 2006). مبانی حفاظت و مرمت آثار تاریخی در قرن ۱۹ با اظهارات افراطی "لودوک ۲" و "راسکین ۳" آغاز شد. لودوک یکی از برجسته ترین نظریه پردازان حوزه مرمت، معتقد بود جهت ایجاد سبکی

۱. اجلاس مشترک ایکروم و ایکوموس که کتاب برنامه ریزی شهری و شهرهای دارای آثار تاریخی حاصل و نتیجه ی این اجلاس هست در سال ۱۹۹۳ در شهر رم برگزار شده است و کتاب مذکور در ارتباط با تجربیات همکاری های یک دهه ی کارشناسان مرمت و حفاظت از بناها با مدیران میراث جهانی در کشورهای مختلف مطالبی را به اشتراک گذاشته است.

۲. Eugène Emmanuel Viollet-le-Duc

۳. John Ruskin



مشخص و یکپارچه کردن بنا، ضمن تخریب و بازسازی آن باید بنا را به شکل اصلی خود بازگرداند (Guzmán & Zasha, 2009). در مقابل راسکین که از مخالفان سرسخت اقدامات معمارانه لودوک به شمار می‌آید که اعتقاد داشت، باید از هرگونه برخورد و مداخله در بناهای تاریخی حتی برای حذف بخش‌های ناهماهنگ و اضافه کردن بخش‌های تازه و مستحکم کردن آن پرهیز کرد و مرمت محتاطانه‌ی تاریخی را با روحیه‌ای کاملاً رمانتیک مورد توجه قرار می‌داد (فیلدن و همکاران، ۱۳۸۲). این اندیشه‌ها در دوره‌های بعد با نظرات "بوئیتو"^۱ در خصوص افزودن بناهای جدید به بناهای تاریخی، با هدف کارتر شدن بناهای گذشته، تکمیل شد (Asbagh, 2022). در کنار نظریه‌های وی که با انتقاد به عدم تقلید از سبک‌های معماری گذشته به لزوم ایجاد تفاوت بین سبک جدید و قدیم تاکید می‌کند، "کامیلو سیت"^۲ توجه به ویژگی‌های بافت‌های قدیمی و دستیابی به الفبای مرمت را به عنوان راهنمایی برای معماران عصر حاضر ضروری می‌داند (پاکزاد، ۱۳۹۴)، اما نخستین بار "جیووانونی"^۳ بود که در ارتباط با ساختارهای جدید در بستر و زمینه‌های تاریخی و قدیمی شهر نظریه‌پردازی کرده است (شاه تیموری و مظاهریان، ۱۳۹۰) وی بر این باور بود که نباید سازه‌های جدید و مدرن را در مجاورت بناهای قدیمی و تاریخی بنا کرد، چرا که ساختارهای جدید و مدرن بدون در نظر گرفتن بافت و سازمان فضایی قدیمی و تاریخی شکل می‌گیرند و به نوعی به این بافت بارزش و میراث تاریخی توهین می‌کنند که نگرش و دیدگاه وی چند سالی قبل از برگزاری کنفرانس آتن مورد تأیید گروهی از باستان‌شناسان و معماران بوده است که بازخورد آن در تدوین اصول کنفرانس آتن به وضوح خود را نشان داد و تأثیر بسزایی بر جای گذاشت (خضری، ۱۳۸۷). بدنبال صدور منشور آتن، در سطح جهانی در ارتباط با مرمت و حفاظت از بناهای قدیمی و ایجاد ساختارهای جدید در بافت‌های بارزش تاریخی شهر، اجلاس‌ها و برنامه‌های متعددی برگزار شده است که نتیجه آن صدور گزارش‌ها و ضوابطی در ارتباط با مرمت و حفاظت از بناها و بافت‌های تاریخی شهر است. برای نخستین در تاریخ ۱۹۳۱ در اجلاس آتن بصورت رسمی و در قالب توافق‌نامه‌ای بین‌المللی به ساختارهای جدید در بافت تاریخی اشاره شد و در قالب این مفهوم، اصلی تحت عنوان حفظ خصوصیت منطقه شهری و چشم‌اندازهای زیبا پیشنهاد شد که این اصل، نقطه‌ی عطفی در مبانی و ضوابط مرمت شهری و حفاظت از بناهای تاریخی به حساب می‌آید که برای نخستین بار در یک گزارش رسمی به موضوع ساختارهای جدید در بافت‌های تاریخی

1. Camillo Boito

2. Camillo Sitte

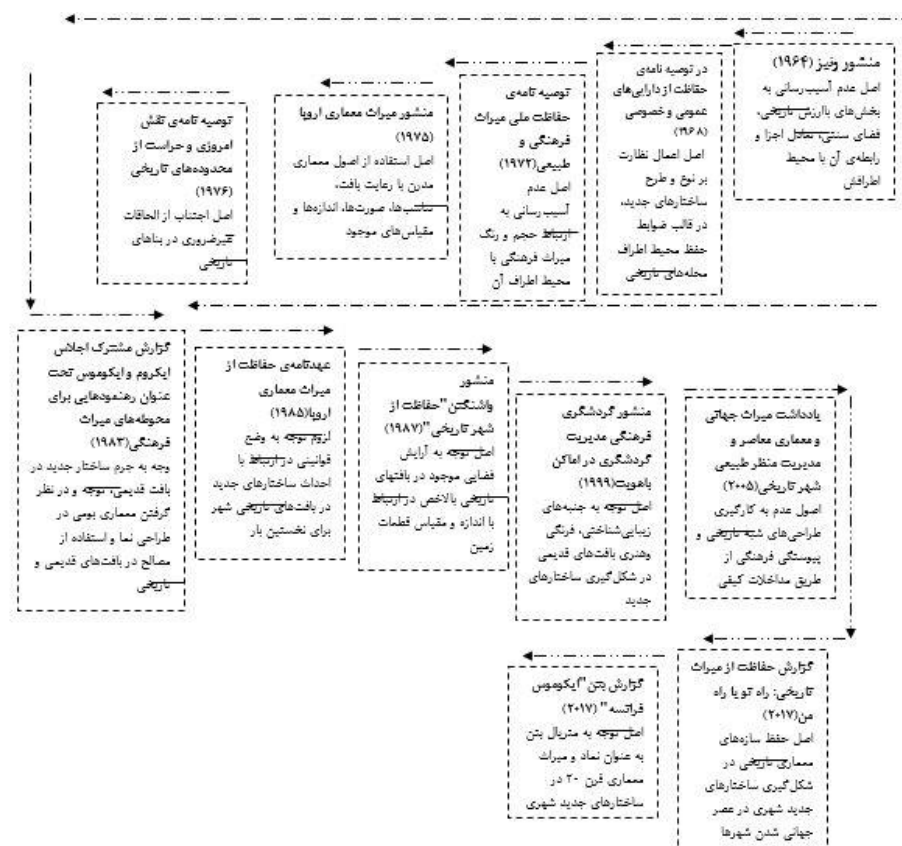
3. Giovannini

*. نهاد مسئول برگزاری: بونسکو، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد

(، شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها ICOMOS *). نهاد مسئول برگزاری: ایکوموس)

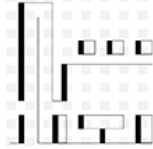
. نهاد مسئول برگزاری: کشورهای عضو شورای اروپا ***

پرداخته شد (فلامکی، ۱۳۸۹). در دیاگرام شماره ۱ تایم لاین اجلاس و برنامه‌های مربوط به مرمت و حفاظت از بناهای تاریخی ارائه شده است.



تصویر شماره ۱: تایم لاین برنامه‌ها و اجلاس مرمت و حفاظت از بناهای تاریخی (ر.ک. سایت رسمی <https://www.icomos.org/> آرشیو گزارش‌ها از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۱۷؛ رویکردهای جهانی به ساختارهای جدید در زمینه تاریخی، شاه تیموری و مظاهریان، ۱۳۹۰؛ حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶).

با موشکافی در رویکرد اصول پیشنهادی مطرح شده در طی سال‌های اخیر، جهش اساسی شیوه‌های مداخله و برخورد در بافت‌های تاریخی - قدیمی شهر و بویژه تک‌بناهای تاریخی را بطور عینی و مصداقی می‌توان مشاهده کرد، به عبارتی دیگر، رویکردهای جدید رفته رفته به ضرورت احترام و حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی شهرها تأکید دارند. با بررسی سیر تحولات تاریخی دیدگاه‌های حاکم بر نحوه مداخله و برخورد در بافت‌های تاریخی و قدیمی شهر، سیر تحول رویکردها از نگاه صرف محافظه کارانه به سمت وضع قوانین در استفاده از عناصر و ساختارهای جدید در بافت‌ها و تک‌بناهای تاریخی و قدیمی شهرها در جریان بوده که در آخرین گزارش

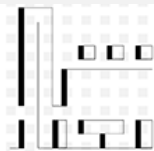


ایکوموس (۲۰۱۷) به حفظ سازه‌های معماری تاریخی در شکل‌گیری ساختارهای جدید شهری تأکید شده است. رویکردهای جدید نه تنها منعی در ایجاد ساختارهای جدید و استفاده از عناصر و متریال‌های معاصر در حفاظت و توسعه بافت‌ها و تک بناهای تاریخی نمی‌بینند، بلکه استفاده از عناصر جدید و شکل‌گیری الحاقات جدید در بستر تاریخی و فرهنگی شهر با در نظر گرفتن آرایش فضایی محیط پیرامون را یکی از راه‌های جلوگیری از انقطاع تاریخی ارزش‌ها و هویت بافت‌های تاریخی و میراث فرهنگی شهر می‌دانند.

شناخت تحلیلی حفره‌های شهری در برلین و تهران

حفره‌ها در شهر برلین:

برلین شهری فدرالی و ایالتی در قلب اروپا که حیات اولیه شهر از ادغام چندین روستای بزرگ و کوچک شکل گرفته است و بزرگترین شهر کشور آلمان به شمار می‌آید که بر اساس داده‌های پایگاه اینترنتی " بررسی جمعیت جهانی " در سال ۲۰۲۰ جمعیتی بالغ بر ۳,۵۶۲,۰۳۸ نفر را در خود جای داده است (Richie, 1998). برلین شهری است که همیشه محل قدرت سیاسی و روایتگر تاریخ‌های پرفراز و نشیب و نماد افسانه‌ای بقا بوده است (Wilke, 2014) و تقسیم سیاسی بیش از ۴۰ سال در دوران جنگ سرد و تقسیم فیزیکی آن، بیش از ۳۰ سال تفاوت‌های ساختاری عمیقی بین بخش غربی و شرقی آن به نمایش گذاشته است (Moss, 2020) و تنها شهری در دنیا است که مرکز آن خالی می‌باشد (Arandjelovic, 2012). تبلور کالبدی و فضایی تحولات سیاسی و ساختاری در شهر برلین ترکیبی از بافت قدیم و مدرن می‌باشد که هنوز هم در بخش‌هایی از شهر کارخانه‌های متروکه در امتداد دیوار سابق برلین یافت می‌شود که در این مطالعه از این اراضی و بافت‌ها به عنوان حفره‌های تاریخی شهر یاد می‌شود. قرن ۲۰ در شهر برلین، مملو از تغییرات چشمگیر بوده که از انقلاب ۱۹۱۸ شروع و با در دست گرفتن قدرت توسط نازی‌ها در سال ۱۹۳۳، تقسیم شهر به دو بلوک شرقی و غربی در سال ۱۹۶۱ و تا فروریختن دیوار برلین در سال ۱۹۹۰ ادامه یافت (Ladd, 2008). در نگاه کلی در بین شهرهای اروپایی، برلین بیشترین مؤسسات فرهنگی - هنری و بیشترین فضاهای عمومی شهری در قالب پارک‌های سبز شهری (که بیش از ۴۰ درصد از مساحت شهر را پوشش می‌دهند) در خود جای داده است (Till, 2005). در طول قرن ۲۰، برلین دوره جدیدی از بازآفرینی شهری را تجربه کرد، که در آن بسیاری از ساختمان‌های جدید ساخته شد (Richie, 1998). با انقلاب سال ۱۹۱۸ جمهوری وایمار اعلان موجودیت می‌کند که بدنبال آن همه‌ی شهرک‌های بزرگ و کوچک اطراف برلین در هم ادغام می‌شود و برلین بزرگ موجودیت پیدا می‌کند (Kolb, 2008) و برلین به بزرگترین شهر اروپا با مساحتی بالغ بر ۸۸۰ کیلومتر مربع تبدیل می‌شود (Black, 2010) که در قیاس با شهر تهران مساحت بسیار بالایی دارد. تبلور فضایی و کالبدی ادغام شهرک‌ها به صورتی بود که هسته‌ی اولیه آن‌ها دست‌نخورده باقی مانده و هنوز هم بخشی از ساختار اداری شهر در این هسته به چشم می‌خورد (Glancey, 2009). قبل از آن در سال ۱۸۶۲ دولت پروس برنامه‌ای برای مناطق شهری داخلی شهر که تازه به شهر ضمیمه شده بود، به رهبری مهندس جمیز هبرخت^۱ تدارک می‌بیند (Hobrecht, 1884) که در بسیاری از جنبه‌ها کار و اقدامات وی را با برنامه اوژن هاسمان برای پاریس مقایسه می‌کنند، چرا که خروجی و نتیجه‌ی برنامه‌ی هبرخت، ایجاد یک شبکه خیابان جدید، ارائه



منطقه‌بندی جدید از شهر و ساخت مناطق مسکونی بزرگ برای کارگران معروف به Mietskaserner^۱ که هنوز یکی از ویژگی‌های اصلی این محله‌ها هستند، بود؛ این اقدام هبرخت برلین را به بزرگترین شهر اجاره‌ای اروپا به سبک پادگان تبدیل کرد. با به قدرت رسیدن نازی‌ها در سال ۱۹۳۳ به صدراعظمی آدف هیتلر برنامه‌ریزی و هدایت برنامه‌های شهری برلین آلبرت اسپیر^۲ هدایت شد (Whyte, 2007). آدف هیتلر به سودای ایجاد شهر تاریخی همانند شهر رم، در قلب اروپا، دستور داد تا برلین قدیمی تخریب شود (Helmer, 1980) که در نخستین اقدام اسپیر، استادیوم المپیک و فرودگاه تمپلهوف را طراحی کرد که موقعیت اصلی شهر برلین برای خیابان‌کشیهای جدید و ایجاد بلوار بودند. در طول جنگ جهانی دوم، حدود یک سوم از منطقه‌ی مسکونی شهر برلین تخریب شد که بیشترین تمرکز آن در بخش مرکزی Mitte بوده، جایی که حدود ۵۴ درصد از منطقه ویرانی‌های عظیمی تجربه کرد (Friedrich, 2012). بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۹)، برلین به دو بخش جزیره مانند بخش غربی با گستردگی ملیت‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و آمریکایی و بخش شرقی با گستردگی روس‌ها تقسیم شد (Feversham & Schmidt, 1999). تأثیر برنامه‌ریزی شهری شوروی در برلین شرقی مشهود بود. اولویت با بازسازی مناطق صنعتی بود، در حالی که توسعه مسکن از اهمیت کمتری برخوردار بود، روند ساخت و ساز با سرعت بیشتری و با هزینه‌های کمتری صورت می‌گرفت و ایجاد مسکن جدید سوسیالیستی با محوریت مجموعه‌های صنعتی ضروری بود (Holborn, 1982). بلوارهای وسیع و میدان‌های بزرگ بر مرکز برلین شرقی تسلط داشتند که برای رژه‌ها و دیگر رویدادهای دسته جمعی طراحی شده بودند. بلندترین بنای برلین، یک برج تلویزیونی در سال ۱۹۶۰ در Alexanderplatz ساخته شد، با هدف مهم به چالش کشیدن مردم از آن طرف دیوار (برلین غربی)، (Strom, 2001). تقسیم‌بندی شهر برلین از مرکز تجاری شهر شروع شد، با این کار، بخش بزرگی از مرکز شهر سنتی، همراه با بناهای تاریخی متعدد، خود را در برلین شرقی یافتند (Wetzel, 1996). بر عکس برلین شرقی، در برلین غربی بیشتر سیاستهای مداخله در بافت‌های شهری در جهت مدرن‌سازی و نوگرایی بوده که از نمونه‌های بارز آن، می‌توان به مجتمع مسکونی هانساویرتل^۴، ایستگاه قطار Zoologischer و منطقه Kurfürstendamm^۵ با مشاغل و خدمات تفریحی متنوع اشاره کرد که هر دو مورد در بخش مرکزی برلین غربی شکل گرفت (Major, 2009). ؛ تمامی موارد یاد شده به نوعی مداخله در بافت‌های آسیب‌دیده شهر بوده که بیشتر با رویکرد نوگرایی و برای نشان دادن شکوه و عظمت بخش غربی نسبت به بخش شرقی برلین شکل گرفته بودند.

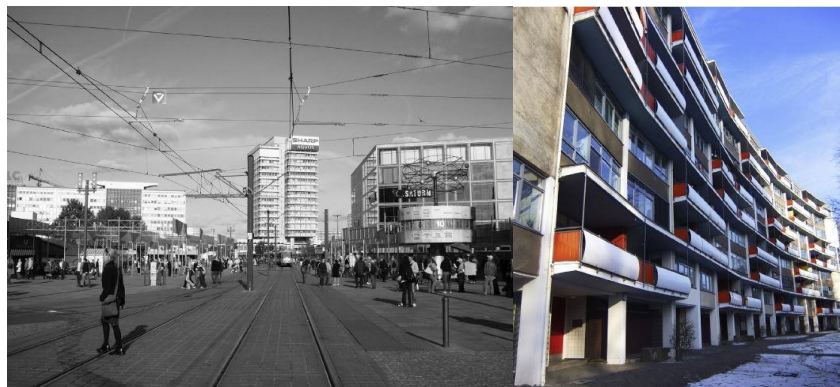
۱. ساختمان‌هایی رو به خیابان هستند که معمولاً خانواده‌های طبقه متوسط یا پایین را در خود جای داده‌اند. این واحدها به Mietskaserner .
دنبال ساختمان‌های پشتی که کارخانه‌ها در آن واقع شده‌اند، ساخته شده‌اند.

۲. Albert Speer

۳. مرکز تجاری شهر برلین، قبل از جنگ جهانی دوم، از پتسدامر پلاتز در غرب تا الکساندر پلاتز در شرق امتداد داشت.

۴. Hansaviertel

۵. در آغاز قرن ۲۰ به‌عنوان منطقه مسکونی طبقه بالا با بالاترین قیمت زمین در برلین تبدیل شد. Kurfürstendamm .



تصویر شماره (۸): Alexanderplatz (سمت چپ)، منطقه‌ی مسکونی Hansaviertel (سمت راست). (Arandjelovic, 2012).

همچنین یکی از سیاست‌های مداخله در بخش غربی برلین با رویکرد فرهنگی و جایگزینی مؤسسات فرهنگی مدرن با ساختارهای کهن و قدیمی بود (Richter, 2009)، که مصداق خارجی آن توسط معمار هانس شارول با طراحی انجمن فرهنگی (Kulturforum) و سالن فیلارمونیک ۲ شکل گرفت، که با هدف پر کردن فضاهای خالی در ضلع شرقی برلین و برای خودنمایی ایجاد شده بود (Wetzel, 1996). یکی از مهمترین رویدادهایی که در تاریخ شهر برلین در ارتباط با تحولات کالبدی - فضایی شهر بسیار اثرگذار بود، فروریختن دیوار برلین در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ که باعث شد پایتخت از بن به برلین انتقال پیدا کند (Huyssen, 1997) که همین امر سیاستهای نوسازی شهری و احیای بافتهای کهن و تخریب شده شهر با وارد مرحله‌ی جدیدی کرد، بیشتر تلاش‌ها در جهت ارتقای کیفی شهر برلین برای رقابت و رسیدن به رده‌ی شهرهای پاریس و لندن بود که برای تأمین بخش مالی احیا و بازسازی شهر برلین متحد شده، بخشی از کمک‌های توسعه شهری و ایجاد مسکن اجتماعی از طرف دولت پس گرفته شد (Engel, 2009) و بعد از اتحاد، ساخت بسیاری از بناهای اداری توسط سرمایه‌گذاران خصوصی در بخش‌های کهن شهر موضوعیت یافت (Banac, 2014). بسیاری از ساختمانهای موجود که واحدهای بوروکراتیک را در خود جای داده بود، آماده بودند و منتظر کاربریهای جدید بودند (Pugh, 2014) مرکز برلین تمام توجه عموم و متخصصان را به خود جلب کرد، که سایر کارهای مهم توسعه شهری مانند مدرن‌سازی مناطق مسکونی یا ساخت حومه جدید را کنار گذاشته شد (Schmidt, 2005)، از جمله این ساختارها می‌توان به ساختمان‌های جدید پارلمان، مجموعه دولت فدرال، رایشتاگ تاریخی بازسازی شده، تعدادی از ساختمان‌های جدید سفارتخانه واقع در بین

^۱. (انجمن فرهنگی) متشکل از یک سالن اصلی موسیقی، کتابخانه و موزه هنر بود که مهم‌ترین پروژه‌ای که نماینده برلین آلمان غربی بود.

^۲. Berlin philharmonic. سالن فیلارمونیک، یک ساختمان مدرن با سطوح متقارن و سقف‌های منحنی که توسط هانس شارول در سال ۱۹۶۳ طراحی

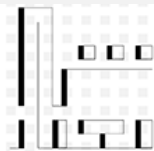
پتسدامر پلاتز و مرکز باغ وحش در منطقه سفارت اشاره کرد (Banac, 2014). بیشترین فعالیت و مداخله‌ای که در ارتباط با ایجاد ساختارهای مدرن در بافتهای کهن و آسیب‌دیده شهر برلین انجام گرفت در فاصله‌ی سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ بوده است که مهمترین آنها، مجموعه‌ی مدرن سفارتخانه‌های شمال اروپا و مقرهای گسترده مالی و شرکتی در منطقه Mitte تکمیل شد. علاوه بر این در سال ۲۰۰۶ ایستگاه مرکزی برلین تکمیل شد که این ایستگاه قطار با تکنولوژی بالا نزدیک مجتمع دولت فدرال در منطقه مرکزی شهر واقع شده است. (Leibinger, 2002). یکی از مهمترین اقداماتی که در جهت نوسازی و احیای حفره‌های تاریخی شهر برلین در سال ۱۹۹۱ صورت گرفت، برگزاری پنل‌های تخصصی برای برگزاری مسابقات معماری و طراحی بود که توسط سنای برلین با هدایت هانس استیمن^۲ تدارک دیده شد (Gittus, 2002). استیمن در ۱۵ سال فعالیت خود، اقدامات مهمی در ارتباط با ابعاد بصری مناظر شهری برلین انجام داد و همیشه رویکرد انتقادی نسبت به اقدامات و بازسازیهای دوره‌های قبل داشته و از مهمترین پروژه‌های تحت هدایت وی می‌توان به Pariser Platz (درست در کنار دروازه براندنبورگ) و خیابان خرید Friedrichstrasse اشاره کرد (Ladd, 2008). به گفته گلدبرگر^۳، برخی او را "نجات دهنده و استاد باهوش شهر" می‌دانند که برلین را با سرعت و اعتقاد بازسازی کرده است. برخی دیگر او را سازنده امپراتوری می‌دانند که مطلق‌گرایی آن فرصت بی‌نظیری برای برنامه‌ریزی شهری مدرن را، هدر داده است (Molnar, 2010). برای استیمن و سایر افرادی که نظرات وی را بیان کردند، هدف بازسازی شهر برلین و حفره‌های تاریخی آن، بازسازی بافت شهری موجود بود که به منظور برانگیختن خاطرات گذشته برلین، او پروژه‌هایی با مساحت بیش از ۱۸۳۰ هکتار را هدایت می‌کرد و به دلیل ترس از این که "توسعه بی‌رویه جنگلی از آسمان خراش‌ها ایجاد می‌کند" مشهور بود (Huysen, 1997).



1. Hauptbahnhof

2. Hans Stimmann

3. Goldberger



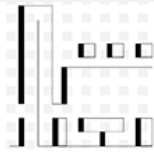
تصویر شماره (۹): Pariser Platz سال ۲۰۱۸ (سمت راست)، Pariser Platz اوایل قرن ۲۰ (سمت چپ). (Berlin: a critical view: Ugly realism 20s-70s).

در جمع‌بندی کلی از داستان شهر برلین، شهر برلین انواع متنوعی از معماری را در خود جای داده است، برلین قطعاً هنوز یک شهر کامل نیست و در بیشتر بخش‌های آن، حفره‌هایی در بافت مدرن بدون مداخله رها شده است. از زمان سقوط دیوار برلین، برلین به‌عنوان یک نمایشگاه معماری بزرگ به نظر می‌رسید و همه چیز به سرعت در حال تغییر بوده است. به گفته پل گلدبرگر "برخلاف کلانشهرهای بزرگ دیگر جهان، شکل آینده برلین نامشخص است. لندن لندن، رم رم، توکیو توکیو است، اما برلین علامت سؤال است (Bernt et al, 2013). برلین جدید، هر شکلی که باشد، هنوز دور از تحقق است. حتی در حال حاضر ۳۰ سال پس از سقوط دیوار و پس از سال‌های طولانی توسعه شهری، هنوز مکان‌های خالی برای استفاده، بازسازی و کاربردی وجود دارد. به نظر آندریاس هویسن^۱، نگرانی اصلی در مورد توسعه و بازسازی سایت‌های کلیدی در قلب برلین بیشتر به دلیل استفاده از تصویر، جذابیت برای گردشگران و بازدیدکنندگان رسمی است تا فضای ناهمگن برای ساکنان برلین، محو حافظه و نه حفظ تخیل آن (Colomb, 2013). در جدول شماره (۲) مشخصات تاریخی هر یک از پروژه‌های مورد مداخله در مرکز شهر برلین ارائه می‌گردد.

جدول شماره (۲): مشخصات پروژه‌های مورد بررسی در شهر برلین و روش‌های مداخله در آن

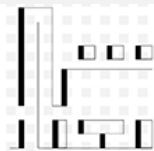
ردیف	پروژه	توضیحات
۱	مرکز فرهنگی Lindower Strasse	<ul style="list-style-type: none"> * خیابانی در محله پرنزلاوئر برگ برلین؛ * قدمت اواخر قرن نوزدهم؛ * کاربری اولیه منطقه صنعتی و مسکونی (این خیابان همچنین محل چندین کارخانه و کارگاه بود که بسیاری از ساکنان محلی را در آن مشغول به کار بودند)؛ * تبدیل و تغییر کاربری به یک مرکز تجاری پر جنب و جوش در اوایل قرن بیستم با انواع مغازه‌ها، رستوران‌ها و کسب و کارها؛ * تخریب و ویرانی منطقه اطراف لیندوور استراسه بعد از جنگ جهانی دوم؛ * احیاء و بازسازی منطقه در دهه‌ی ۱۹۹۰ از طریق بازسازی ساختمانهای قدیمی و تغییر کاربری آنها برای استفاده‌های مسکونی و تجاری؛ * تبدیل شدن لیندوور استراسه به خیابانی پر رونق، با ترکیبی متنوع از مشاغل، رستوران‌ها و مغازه‌ها، مؤسسه‌های فرهنگی و مراکز اجتماعی؛ * تکامل و تغییر مداوم منطقه و انعکاس‌دهنده‌ی دگرگونی مداوم محله Prenzlauer Berg به عنوان یک کل.
۲	مدرسه تئاتر برلین	<ul style="list-style-type: none"> * مدرسه تئاتر برلین به عنوان "Hochschule für Schauspielkunst Ernst Busch" شناخته می‌شود (آکادمی هنرهای نمایشی ارنست بوش)؛ * قدمت ۱۹۵۱ در مرکز شهر برلین؛ * ریشه‌های این مرکز به مدرسه نمایش ماکس راینهارت برمی‌گردد که در سال ۱۹۰۵ در برلین تأسیس شد؛ * این مرکز قبلاً مؤسسه خصوصی بود؛ * تخریب مدرسه در پی جنگ جهانی دوم؛ * بازسازی آن در دوره‌ای از احیای فرهنگی و بازسازی در آلمان بعد از جنگ جهانی دوم؛

1. Andreas Huyssen



	<p>*واقع شدن در برلین شرقی قبل از دوره‌ی اتحاد با عنوان مدرسه درام دولتی؛ *بازسازی و مرمت و حفظ عملکرد و ماهیت خود بعد از اتحاد و تغییر نام آن به مدرسه تئاتر ارنست بوش.</p>		
۳	<p>ساختمان Reichstag</p> <p>*آتش‌سوزی در ساختمان Reichstag در ۲۷ فوریه ۱۹۳۳؛ *بلا استفاده شدن ساختمان پس از جنگ جهانی دوم؛ * در سال ۱۹۶۱ دیوار برلین در فاصله‌ی چند صد متر از ساختمان ساخته شد؛ *بازسازی ساختمان توسط معمار انگلیسی سر نورمن فاستر پس از سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ و پایان بازسازی در سال ۱۹۹۹؛ *اضافه شدن گنبد شیشه‌ای به بالای بنا، این گنبد به معنای سمبل شفافیت و باز بودن در دولت است؛ *کاربری اداری ساختمان Reichstag بار دیگر بعنوان صندلی پارلمان آلمان.</p>		
۴	<p>Sony center</p> <p>*مرکز سونی بعنوان مجتمع معماری مدرن در قلب شهر برلین در نزدیکی Potsdamer Platz؛ *طراحی توسط معمار آلمانی هلموت ژان در سال ۲۰۰۰؛ *واقع شدن در محل دیوار سابق برلین به عنوان سمبل و نماد اتحاد مجدد برلین شرقی و غربی؛ * مرکز سونی به عنوان مرکز جدید فرهنگی و تجاری شهر، شامل مغازه‌ها، رستوران‌ها، سینماها و سایر مکان‌های تفریحی * واقع شدن دفتر مرکزی سونی اروپا و آکادمی فیلم آلمان؛ * ساختار غول پیکر چتر مانند با قرار گرفتن سقف چشمگیر در محور مرکز سونی با پانل‌های فولادی و شیشه‌ای در هم تنیده؛ *وجود حیاط روباز به عنوان یک فضای عمومی برای برگزاری کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها و سایر رویدادها؛ *وجود جاذبه‌های پیشرفته از جمله سینما D۴ و یک شبیه ساز واقعیت مجازی.</p>		
۶	<p>فرودگاه برلین تمپلوف</p> <p>*فرودگاه برلین تمپلوف Flughafen Berlin-Tempelhof یکی از اولین فرودگاه‌های آلمان؛ * بازسازی فرودگاه توسط دولت نازی به رهبری آدولف هیتلر و تبدیل آن به بزرگترین ساختمان جهان در آن زمان؛ * ساخت ترمینال با عظمت برای تحت تأثیر قرار دادن بازدید کنندگان با اهداف تبلیغاتی؛ *در طول محاصره برلین توسط اتحاد جماهیر شوروی با مسدود شدن تمام دسترسی‌ها به جاده و راه آهن‌های غرب برلین تمپلوف به عنوان یک راه نجات برای شهر تبدیل شد؛ * محبوبیت جهانی و ملی فرودگاه تمپلوف به دلیل استفاده افراد مشهور از جمله جان اف کندی و ملکه الیزابت دوم از آن؛ * بسته شدن فرودگاه به ترافیک هوایی تجاری بدلیل کاهش ترافیک مسافر؛ *تبدیل شدن فرودگاه به یک پارک عمومی و ساختمان ترمینال به عنوان یک مکان تاریخی؛ * احیاء مجموعه با استفاده از ساختمان ترمینال قدیمی به عنوان یک فضای رویداد برای برگزاری کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها و سایر رویدادهای فرهنگی.</p>		
۷	<p>Urban nation museum</p> <p>*موزه هنرهای معاصر شهری ملت (موزه سازمان ملل) موزه ای است که با هنر خیابانی و هنرهای معاصر شهری؛ *واقع شدن در منطقه شونبرگ برلین؛ *تأسیس موزه توسط یک سازمان غیرانتفاعی به نام The Urban Nation در سال ۲۰۱۳ با هدف ترویج هنر و فرهنگ شهری و حمایت از هنرمندان؛ *وجود نقاشی‌های دیواری، تأسیسات، مجسمه‌ها و سایر اشکال هنر شهری و محلی برای میزبانی از نمایشگاه‌ها و رویدادهای موقت؛ *تأثیر موزه در احیاء منطقه Schöneberg که زمانی یک منطقه فرار بود.</p>		
8	<p>موزه تکنولوژی برلین</p> <p>*تأسیس موزه در سال ۱۹۰۳ به عنوان مرکز مهم برای حفظ و نمایش پیشرفت‌های فناوری و علمی با بیش از ۲۵۰،۰۰۰ اشیاء و آثار باستانی؛ *تخریب موزه به دلیل حملات بمب‌گذاری در طول جنگ جهانی دوم؛ *تعمیرات و بازسازی‌های گسترده موزه پس از جنگ؛ * مرمت و بازسازی دوباره مجموعه در سال ۱۹۸۳ با ایجاد ساختمان جدید.</p>		

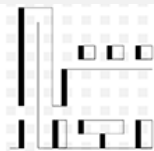
وضعیت حفره‌ها در شهر تهران



در تشریح داستان دو شهر برلین و تهران با توجه به پنهان بودن زوایای مختلف تحولات شهر برلین در طی یک قرن اخیر برای اندیشمندان و صاحب‌نظران داخلی و کمبود منابع مطالعاتی در مورد شهر برلین در داخل، سعی گردید با مرور منابع خارجی، روند تحولات شهر برلین در ابعاد مختلف بصورت تفصیلی و جزئی آشکار گردد، در ارتباط با شهر تهران با عنایت به اینکه در طی سالهای اخیر مطالب زیادی توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی مورد کنکاش قرار گرفته است و با مرور ادبیات نظری و تجربی در مورد تحولات شهر تهران می‌توان پی برد که ابهام کمتری در مورد شهر تهران وجود دارد که در این مطالعه به آن اشاره و ابهام‌زدایی شود، بنابراین برای پرهیز از تکرار و ارائه مطالب جدید بویژه در ارتباط با نمونه‌های مورد بررسی، بصورت فشرده روند تحولات شهر تهران در طی یک قرن اخیر در جدول شماره (۳) ارائه می‌گردد.

جدول شماره (۳): تحولات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی کالبدی - فضایی در شهر تهران

تهران	زمینه	
موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی، طبیعی و ارتباطی نسبت به نقاط سکونتگاهی پیرامونی در فلات مرکزی؛ ادغام و تبدیل از یک روستای بزرگ به کلانشهر چند میلیونی.	بستر مکانی و جغرافیایی	
افزایش قیمت نفت و اعتبارات تغییرات کالبدی - فضای بیشتر بامحورت باز تولید فضاهای جدید و مدرن؛ گستردگی فقر در بخشهای مرکزی و جنوبی شهر و شکل‌گیری جرقه‌های انقلاب ۵۷؛ تخصصی اعتبارات و بودجه‌های کلان برای گسترش الگوهای فکری و نظری جریان سرمایه‌داری و مدرنیسم در دوره پهلوی دوم؛ گسترش خط تولید صنایع و مونتاژ از اوایل دهه ۱۳۵۰، تبدیل شدن تهران به قطب رشد اقتصادی، صنعتی و خدماتی؛ گستردگی و محرومیت در بخشهای وسیعی از جامعه ایران. عدم تأمین درآمدهای پایدار شهری توسط مدیریت شهری تهران و تبدیل شدن زمین به عنوان سرمایه؛ انقلاب سفید در سال ۱۳۵۲.	زمینه‌های اقتصادی	زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و کالبدی - فضایی
وقوع انقلاب ۱۳۵۷، تغییر سیاستهای فضایی با تغییر رویکر دولتهای بعد از انقلاب ۱۳۵۷	زمینه‌های سیاسی-نهادی	
افزایش بیش از حد نرخ رشد جمعیت در سالهای دهه ۱۳۵۰؛ گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی و تجملات با توجه به نفوذ نظام سرمایه داری و نوگرایی در ایران؛ از بین رفتن نظام ارباب رعیتی و هجوم مهاجران؛ شکل‌گیری و افزایش دوگانگی اجتماعی - اقتصادی بین بخشهای شمالی و جنوبی شهر تهران و تأثیرات آن بر الگوهای معماری و ساخت و ساز؛ افزایش ناهنجاری اجتماعی و هرج و مرج بعد از وقوع انقلاب ۵۷؛ افزایش نیاز مهاجرت به کلانشهر تهران و بخشهای پیرامونی شهر به دلیل جنگ و خرابیهای ناشی از آن؛ تفاوت کیفیت زندگی بین شهرها و روستا و بالاخص شهر تهران و شکل‌گیری رویای زندگی د شهر تهران در ذهن روستاییان و ساکنین شهرستان؛ جدایی‌گزینی اجتماعی و اکولوژیک بین اقشار مرفه و پردرآمد با اقشار مهاجر و کم درآمد از بخشهای مرکزی و جنوبی به سمت بخشهای شمالی؛	زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی	
غیر طبیعی بودن روند رشد و توسعه شهرنشینی؛	زمینه‌های کالبدی - فضایی	



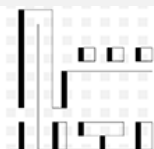
<p>از بین رفتن ساختار سنتی و قدیمی شهر و افزایش اراضی خاکستری در دل شهر از طریق خیابان‌کشی؛ تأثیرات تخصصی‌شدگی و تجاری سازی فضاهای شهری بر گسترش اراضی خاکستری بویژه در دل بافت مرکزی شهر تهران؛</p> <p>تدوین و اجرای سیاستهای عرضه‌ی زمین بویژه بعد از دهه‌ی ۱۳۶۰ در نواحی پیرامونی شهر؛ اجرای سیاستهای منطقه‌ای (اصلاحات ارضی)؛</p> <p>تشدید سیاستهای بکوب و بساز (سیاستهای بولدزری) و بازتولید فضا؛</p> <p>گسترش زاغه‌نشینی و اسکان غیررسمی بعد از وقوع انقلاب ۵۷ در بیرون از محدوده مصوب شهر؛ نگاه خاص و کلان برنامه‌های ملی برای شهر تهران بیشتر در قالب بازتولید فضاها؛</p> <p>تغییرات کالبدی - فضایی ناشی از اجرای طرحهای توسعه شهری؛</p> <p>کاهش سرانه‌ی خدماتی در بخشهای قدیمی و تاریخی شهر بویژه در بخش مرکزی شهر؛</p> <p>ادغام روستاها و نواحی حومه‌ای به حریم شهر تهران و گسترش ناموزون شهر؛</p> <p>التقاطی بودن الگوی معماری و ساخت و ساز بعد از انقلاب؛</p> <p>محدودیت اراضی بعد از انقلاب برای ساخت و ساز؛</p> <p>رشد ناپیوسته شهر در نتیجه‌ی ایجاد اتوبانها و شبکه‌های ارتباطی بعد از دهه‌ی ۱۳۷۰؛</p> <p>توجه به حیات مدنی و تلاش برای ارتقای آن بعد از دهه‌ی ۱۳۷۰؛</p> <p>تصاحب زمینهای مصادره شده توسط گروه‌های انقلابی؛</p> <p>اختلافات ایدئولوژیک با سیاستهای حکومت پهلوی و تأثیر آن بر سیاستهای فضایی و کالبدی؛</p> <p>گسست فضایی و گسترش اراضی خاکستری بعلت ساخت مترو؛</p> <p>افزایش تعاونی های مسکن و شهرکهای مسکونی بعد از انقلاب در حریم شهر تهران</p>		
---	--	--

در یک جمع‌بندی کلی، شهر تهران تحت عمیق‌ترین و بنیادی‌ترین تحولات مدرنیسم قرار گرفت و از همان ابتدا بافت مرکزی و تاریخی شهر را که دارای میراث باارزش تاریخی و فرهنگی غنی بوده، نشانه گرفت. نوگرایی و نیاز به گردش سرمایه در شهر با ورود جریان سرمایه‌داری به ایران، سرعت تحولات و تغییرات را چند برابر کرده و سازمان فضایی تهران نیز در انطباق با ارزش‌ها و آرمان‌های نامأنوس جریان مدرنیسم و سرمایه‌داری تغییراتی گسترده‌ای را تجربه کرد که با توجه به عدم انطباق ارزش‌ها و الگوی زیست و ساخت و ساز جامعه میزبان یعنی شهر تهران با ارزش‌ها و الگوهای مدرنیته، تغییرات بیشتر بصورت تقلیدی و در قالب شبه‌مدرنیسم و شبه‌سرمایه‌داری نمود کالبدی یافت و بافت تاریخی و میراث فرهنگی شهر را که در بناها و محوطه‌های قدیمی شهر نمود کالبدی یافته بود از هم پاشید و چهره‌ای ناشناخته از شهر به رخ کشید. این تغییرات در کشور در حال توسعه‌ای مثل ایران شکل گرفته و تا حال حاضر هم ادامه دارد. در جدول شماره مشخصات و روند تحولات تاریخی پروژه‌های مورد هدف در شهر تهران ارائه می‌گردد.



جدول شماره (۴): مشخصات پروژه‌های مورد بررسی در شهر تهران و روش‌های مداخله در آن

ردیف	پروژه	توضیحات
۱	کارخانه آرگو	<p>*در سال ۱۳۰۹ به عنوان شرکت نوشیدنی آبجو الکی در ایران تأسیس شد؛ *کاربری اولیه صنعتی؛ *بلااستفاده ماندن بدلیل سیاست‌های ایدئولوژیک حکومت؛ *خریداری کارخانه آرگو توسط بنیاد پژمان در سال ۱۳۹۵ برای ایجاد فضای نمایشی و مرکز فرهنگی با تأکید بر حفظ اصالت بنا و احترام ویژه برای بافت قدیمی تهران؛ *پایان عملیات نوسازی مجموعه بعد از اجرای سه نمایشگاه در سال ۱۳۹۹ با هدایت معمار احمدرضا شریکر؛ *گسترش فضای کارخانه بازسازی شده از ۴۶۰ متر مکعب به ۱۸۶۰ متر مکعب؛ *فضای فعلی کارخانه آرگو شامل حیاط، ۵ گالری، سینما، کافه، فروشگاه هنری، اتاق آرشو، کتابخانه، دفتر خصوصی و دفتر مؤسسه.</p>
۲	کارخانه نوآوری آزادی	<p>*با کاربری صنعتی و کارگاهی اولیه (یکی از کارخانه‌های پیشرو و موفق شهر تهران)؛ *با انتقال آن به بیرون شهر تهران، فضای اولیه و قدیمی‌اش راکد مانده و به چیزی شبیه خرابه تبدیل شده؛ *در شهریور سال ۱۳۹۶ شرکت هم آوا با همکاری شرکت‌های آواتک، آواگیمز، سزان، زاویه، نوآوردگاه و نوآوا ایده طراحی و ساخت محلی برای تجمیع این زیست بوم را شروع نمود؛ *آغاز عملیات احیاء و مرمت مجموعه با جستجوی محلی برای این نوع فعالیت و انتخاب کارخانه‌ای متروک در نزدیکی میدان آزادی تهران؛ *تأسیس اولین کارخانه نوآوری در بستر کارخانه الکترونی سازی آما (به علت مسایل زیست محیطی به خارج از تهران منتقل شده بود)؛ *تغییر کاربری صنعتی و کارگاهی به کاربری اداری (شرکت‌های نوبنیان)؛ *دارابودن ۱۰ سوله به مساحت ۱۰ هزار مترمربع و همچنین ۴۵۰۰ مترمربع ساختمان اداری و ایجاد واحدهای خدماتی شامل فضای کاری مشترک، اتاق جلسات متعدد، سالن همایش، باشگاه ورزشی، رستوران و کافی شاپ، محلی مناسب برای تمرکز استارت‌آپ‌های کشور و شرکت‌های سرمایه گذار خطرپذیر.</p>
۳	فرودگاه قلعه مرغی - بوستان ولایت	<p>*با کاربری اولیه حمل و نقل (فرودگاه)؛ *نخستین فرودگاه تهران، در دوره رضا شاه در اراضی قلعه مرغی ساخته شده و بعدها پایگاه هوایی نظامی در جنوب این شهر بود؛ *تغییر کاربری فرودگاه در سال ۱۳۹۰ به بوستان ولایت؛ *بوستان ولایت بزرگترین پارک خاورمیانه، در جنوب غربی شهر تهران واقع شده؛ *طرح دایره‌ای شکل بوستان ولایت؛ *دارای وسعت ۳۰۰ هکتار و شامل چند ورودی در ضلع‌های مختلف و پارکینگ جهت ورود خودرو به پارک؛ *احداث پارک شهربانو ویژه بانوان و کتابخانه علامه امینی در این بوستان.</p>
۴	باغ موزه قصر	<p>*این محل به عنوان باغی سلطنتی به عنوان ملک طلق شاه وقت بنیان نهاده شد؛ *سنگ بنای اولین زندان مدرن ایران نیز در اینجا گذاشته شد؛ *ایجاد تغییرات گسترده در محدوده قصرهمزمان با تغییر معماری و شهرسازی در ایران در دوره پهلوی؛ *تبدیل زندان قصر به باغ موزه در سال ۱۳۹۱ با طراحی شرکت شاخه تجربی معماری کلانشهر و متولی‌گری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.</p>
۵	بوستان زندگی (پارک هرندی)	<p>*بوستان زندگی (پارک هرندی) که از قبل دارای کارکرد تفریحی بوده؛ *در گذر زمان به دلیل موقعیت مکانی حاصل (محلات شوش و هرندی) محل زندگی و تجمع حدود ۵۰۰۰ هزار بی خانمان و معتاد بوده؛ *بدلیل آسیب‌های اجتماعی و عدم امنیت، کارکرد اولیه خود را از دست داده بود؛ *بازسازی مجموعه با مشارکت شرکت شاخه تجربی معماری کلانشهر و متولی‌گری شهرداری تهران در راستای احیای این مجموعه و افزایش حس تعلق و ارتقاء سرمایه اجتماعی از یک سو و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی ناشی از ارتقاء کیفیت کالبدی و منزلت اجتماعی در سال ۱۳۹۴؛ *تزیین عملکردهای فرهنگی، آموزشی و تفریحی با محوریت کودک و خانواده در مقیاس محله و شهر تأکید شده؛ *مجموعه شهر کودک به عنوان یکی از پروژه‌های اصلی تزیین کاربری به این پارک تعریف شد.</p>
۶	مجموعه مسکونی صد واحدی سیروس	<p>*دارای کارکرد اولیه مسکونی؛ *رو به انزوا رفتن و مخروبه شدن مجموعه در گذر زمان به دلیل سیاست‌های عرضه زمین در پیرامون شهر تهران و انزوال بافت مرکزی کلانشهر تهران؛</p>



<p>* آغاز عملیات احیاء و بازسازی مجموعه به متولی گری وزارت راه و شهرسازی و با مشارکت شرکت شاخه تجربی معماری کلانشهر؛ * اتمام عملیات بازسازی در سال ۱۳۹۷؛ * مجموعه مسکونی یکصد واحدی سیروس در زمینی به وسعت ۸۵۲۵/۶ مترمربع در محله تاریخی سیروس (چال میدان) منطقه ۱۲ تهران قرار گرفته است؛ * طرح ویژه محله سیروس (چال میدان)، با رویکردی مشارکتی، به منظور ساماندهی، بهسازی و نوسازی این محله قدیمی انجام یافته است؛ * کاربری مسکونی کاربری مسکونی می باشد، همچنین بخش هایی به فضاهای فرهنگی و تجاری و فضاهای سبز اختصاص یافته است.</p>		
<p>* محدودهای در دهه ی ۱۳۷۰ با کارکرد فرهنگی هنری برای ساخت سریال و فیلم با یک سری تجهیزات دکوری از جمله یک سوله عظیم به عنوان سالن تئاتر و مجموعه ای از سوله های کوچک تر؛ واقع شدن پردیس در زمینی به مساحت ۲۵ هزار و ۲۰۰ مترمربع و با زیربنای ۱۶ هزار و ۳۳۰ مترمربع جنب فرهنگسرای خاوران؛ * آسیب جدی مجموعه به دلیل بلااستفاده ماندن به مدت یک دهه بدون محافظت در برابر شرایط جوی؛ * شروع عملیات بازسازی و احیاء با حفظ ماهیت و کارکرد اولیه خود به متولی گری شهرداری تهران و مشارکت شرکت شاخه تجربی معماری کلانشهر در سال ۱۳۸۴؛ * آغاز بهره برداری از از پردیس تئاتر تهران (تئاتر خاوران) در سال ۱۳۹۵ به عنوان بزرگترین مرکز تئاتر حرفه ای ایران.</p>	پردیس تئاتر تهران	8

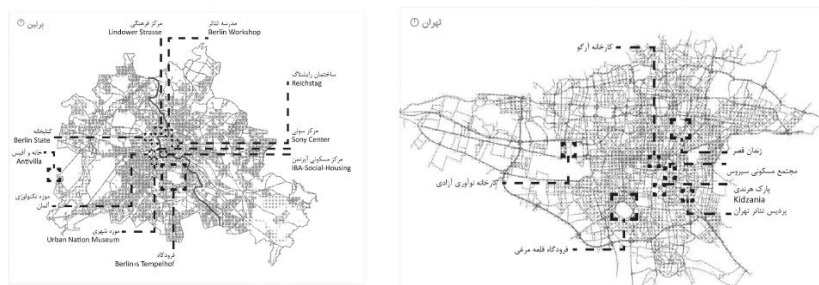
روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از نوع کیفی در کمی و از نوع لانه به لانه می باشد. در مرحله کیفی ابتدا پروژه هایی که مورد بازآفرینی قرار گرفته اند معرفی می شوند و از بین آنها اشتراک مولفه ای توسط اندیشمندان استخراج می شود در مرحله در قالب پرسشنامه در اختیار هیئت متخصصین (۴ گروه ۷ نفره) قرار می گیرد و روابط علی استخراج می شود. نمونه گیری در مرحله کیفی برای اندیشمندان با استفاده از سیستم گلوله برفی می باشد و برای تقلیل داده ای و سهولت کد گذاری از نرم افزار ATLASTI8 بهره گرفته می شود و نتایج در قالب نمودار CIRCULAR SPIDER معرفی می شود و سپس در ازای هر مولفه یک گویه با طیف لیکرت تدوین می شود و در اختیار ۳۸۴ نفر از اندیشمندان قرار می گیرد و نتایج وارد نرم افزار GRAPHER17 می شود و مورد تحلیل بل آمارهای توصیفی و استنباطی قرار می گیرد روایی با آزمون نیمه کردن به دست آمد و پایایی با آزمون کوردون ریچارسون مورد تایید قرار گرفت.

محدوده سنجش:

در شهرهای برلین و تهران نمونه های متنوعی از برخورد با حفره های شهری یافت شد، در برلین، آنتی ویلا کارخانه مرمت و بازسازی شده لباس زنانه جمهوری دمکراتیک آلمان در ۲۰۱۴ مرکز فرهنگی لیدوور شامل نمایشگاه آتلیه و گالری ها فرودگاه تمپلوف ساخته شده به سال ۱۹۴۱ که پس از اشتعال آلمان در ۱۹۴۹ نیاز غرب برلین محاصره شده توسط نیروهای آمریکایی تأمین می نمود که نهایتاً پس از همه پرسی در ۲۰۱۴ شهروندان تصمیم گرفتند این فرودگاه به عنوان پارک استفاده شود. از سایر تجارب برلین به مدرسه ی تئاتر برلین می توان اشاره کرد که به سال ۲۰۱۱ یک ساختمان کارگاهی مربوط به ۱۹۵۰ را برای آکادمی هنرهای نمایشی ارنست بوش در برلین ایجاد گردید. تهران نیز تجارب مشابهی در برخورد با حفره های شهری خود دارد. از مهمترین این تجارب تبدیل مجموعه ی زندان قصر به باغ موزه ی قصر است محوطه ای باززنده سازی شده به مساحت بالغ به هفت هکتار باغ شهری و دو ساختمان زندان که به کاربری موزه تخصیص داده شده اند. تجربه ی تبدیل سوله ی رها شده و مجاور گورستان کلیمیان در خاوران به مرکز تئاتر حرفه ای شهر از تجارب مهم تبدیل حفره های شهری به کاربری فرهنگی است. ساختمانی که سالنی با یک هزار نفر ظرفیت قابلیت اجراهای نمایشی و ارکسترال را در خود جای داده همچنین فضاهای تکمیلی آن برای تئاتر اماتور، حرفه ای و کودک تجهیز

شده است. مجموعه‌ی پارکهای هرندی یکی از آسیب دیده ترین فضاهای شهری واقع در منطقه ۱۲ تهران است عملیات تجمیع پارکهای سه گانه و اصلاح و ترمیم فضاهای آن به عنوان یک محدوده‌ی صدمه دیده‌ی شهری وسیع همچنان در دست اصلاح و بازسازی است مجموعه شهر مشاغل کودک به منظور جذب خانواده ها و زنده سازی مجموعه‌ی رها شده از معتادان متجاهر و فروشندگان مواد مخدر پیش بینی و طراحی شده است. از دیگر تجارب تهران می توان مجموعه‌ی کارخانه‌ی الکتروندسازی در غرب میدان آزادی اشاره کرد. این کارخانه با مداخله‌ی معمارانه به تحت عنوان کارخانه نوآوری آزادی به محلی برای فعالیت‌هایی دانش بنیان تغییر کاربری داده است.



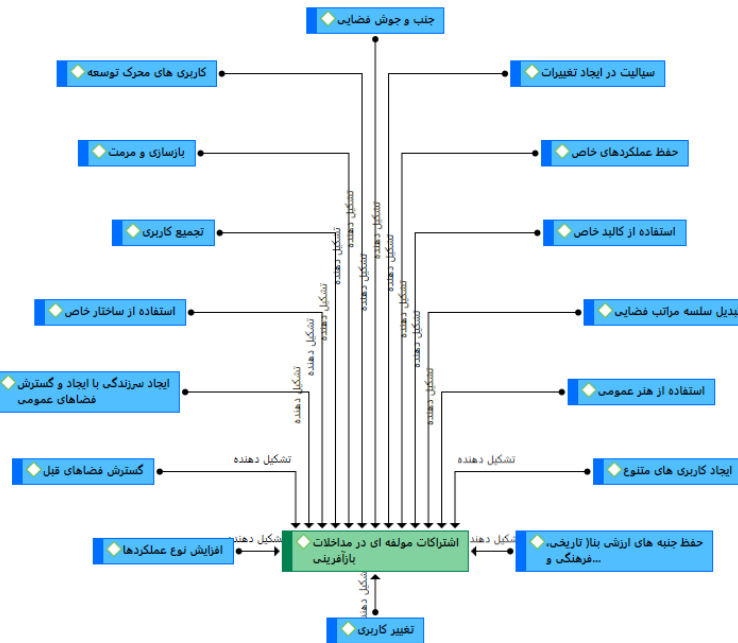
تصویر شماره (۲): نقشه موقعیت حفره‌های تاریخی شهری در شهر برلین و تهران

یافته های تحقیق:

یافته های این تحقیق شامل دو مرحله می باشد که از بخش کیفی برای استخراج اشتراکات مولفه ای در مداخلات باز آفرینی در تهران و برلین استفاده می شود و در بخش کمی برای تبیین رابطه علت و معلولی از آمارهای استنباطی و توصیفی بهره گرفته می شود.

یافته های کیفی:

در این مرحله از متخصصین خواسته شد، در قالب سوال روش های باز آفرینی بناهای عنوان شده در بناهای منتخب تهران و برلین به تفسیر و توضیح بپردازند و نتایج در نرم افزار ATLASTI قرار گرفت و مورد برچسب زنی با سیستم کدنامه ای قرار گرفت.

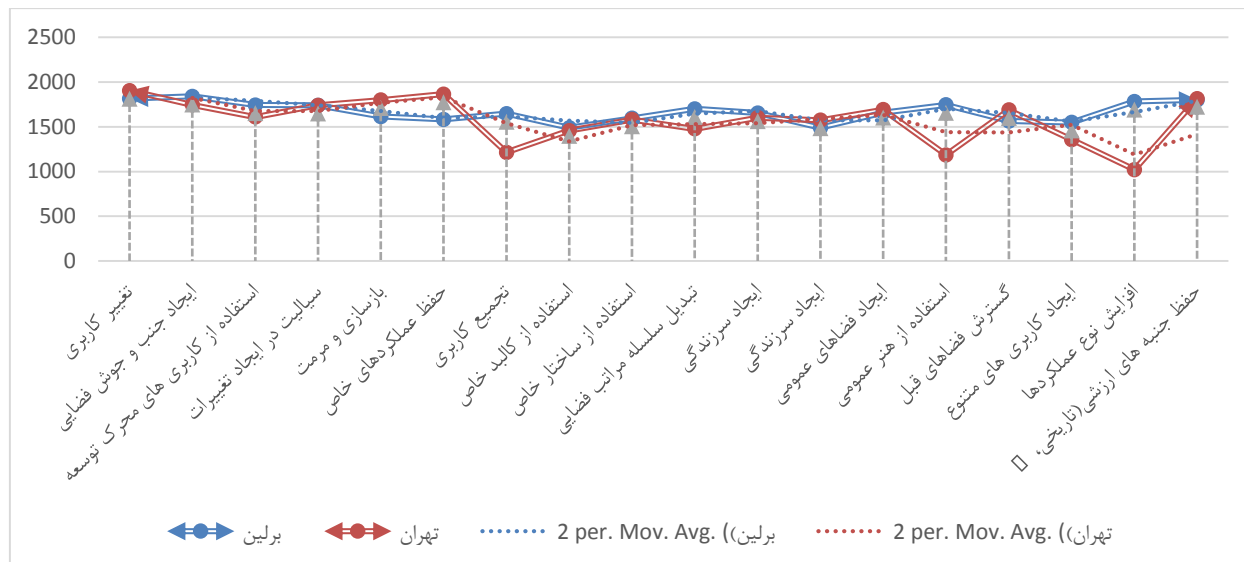
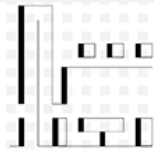


تصویر ۳: کدهای استخراج شده از مصاحبه های نیمه ساختار یافته

یافته های کمی:

آمارهای توصیفی:

نتایج بدست آمده از سوالات عمومی تحقیق نشان می دهد که ۵۶٪ شرکت کنندگان (متخصصین) مردان و ۴۴٪ زنان می باشند. بیشتر حوزه های تخصصی شرکت کنندگان معماری با مقدار ۵۲٪، ۲۶٪ شهرسازی و ۱۲٪ برنامه ریزی شهری می باشد. بیشترین رده سنی شرکت کننده در این پژوهش با میزان ۴۷٪ بین ۲۲-۱۸ و ۲۶٪ بین ۲۲-۲۶ است و ۲۷٪ بین ۲۶ تا ۳۰ می باشند. برای تبدیل و عدد گزاری واحد (خیلی کم تا خیلی زیاد) از طیف ۱ تا ۵ استفاده می شود و بازه ای بین (۳۸۴ الی ۱۹۲۰) پدید می آورد. نتایج نشان می دهد که در گروه تهران بیشترین فراوانی مربوط به تغییر کاربری با مقدار ۱۹۰۵ و کمترین فراوانی مربوط به استفاده از هنر عمومی با مقدار ۱۱۸۶ می باشد در گروه برلین بیشترین فراوانی مربوط به ایجاد جنب و جوش فضایی با مقدار ۱۸۴۱ و کمترین فراوانی مربوط به استفاده از کالبد خاص با مقدار ۱۴۸۹ می باشد. حمایت میانگین حرکتی از پراکنش داده ای نشان از دقت اندازه گیری می باشد.



تصویر ۵: پراکنش داده ای از مولفه های مشترک مداخلات باز آفرینی در حفره های شهری ایران برلین

آمار استنباطی:

این پژوهش به علت بررسی رابطه علت و معلولی از آزمونهای ارتباط دهنده بین متغیرهای خرد و کلان که شامل همبستگی است بهره می برد و برای پیش بینی و تبیین سهم عاملی متغیرهای مستقل از متغیر ملاک (متغیر وابسته) از آزمون رگرسیون بهره گرفته می شود.

همبستگی:

به علت تفاوت در نوع آزمونهای پارامتریک و ناپارامتریک در پراکنش داده ای ابتدا برای بیان نوع توزیع داده ای از پیش آزمون استفاده می شود. برای بررسی نوع پارامتریک و نا پارامتریک بودن داده ها از Two-Sample Kolmogorov-Smirnov Test بهره گرفته می شود.

جدول ۴: آزمون کولموگوروف اسمیرنوف برای بررسی متغیرهای زمینه گرایی موثر در مداخلات باز آفرینی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z کولموگوروف اسمیرنوف	p
مولفه های مشترک مداخلات باز آفرینی	۴۶/۱۵	۴/۲۲۳	۰/۶۵۸	۰/۳۲۱

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می گردد آزمون کولموگوروف اسمیرنوف معنادار نیست ($p=0/321$) و بنابراین مولفه های مشترک مداخلات باز آفرینی معنا دار نیست و می توان از تحلیل های ناپارامتریک برای آن ها استفاده کرد.

جدول ۵: متغیرهای زمینه‌گرایی موثر در مداخلات بازآفرینی

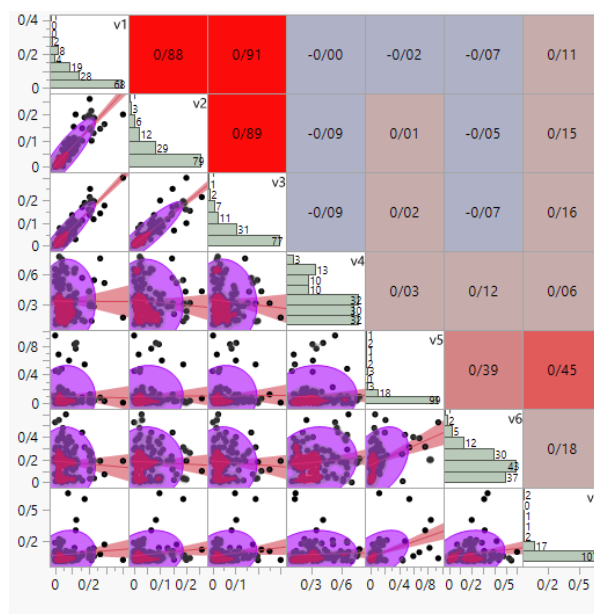
تهران		برلین		مولفه
معنی داری	ضریب همبستگی	معنی داری	ضریب همبستگی	
۰/۰۱۵	۰/۹۴۱	۰/۰۰۰	۰/۹۶۲	تغییر کاربری
۰/۰۷۱	۰/۴۲۹	۰/۰۱۰	۰/۴۰۶	ایجاد جنب و جوش فضایی
۰/۰۱۵	۰/۶۲۳	۰/۰۱۴	۰/۳۵۵	استفاده از کاربری های محرک توسعه
۰/۰۲۱	۰/۶۸۵	۰/۰۱۲	۰/۶۴۶	سیالیت در ایجاد تغییرات
۰/۰۳۸	۰/۶۲۱	۰/۰۱۶	۰/۲۶۲	بازسازی و مرمت
۰/۰۰۲	۰/۶۵۲	۰/۰۰۸	۰/۷۳۵	حفظ عملکردهای خاص
۰/۰۰۳	۰/۶۱۲	۰/۰۰۶	۰/۹۱۱	تجمع کاربری
۰/۰۲۱	۰/۳۸۱	۰/۰۰۷	۰/۸۴۳	استفاده از کالبد خاص
۰/۰۱۴	۰/۴۸۴	۰/۰۰۵	۰/۵۸۲	استفاده از ساختار خاص
۰/۰۲۲	۰/۴۶۴	۰/۰۰۴	۰/۲۷۴	تبدیل سلسله مراتب فضایی
۰/۰۱۱	۰/۶۳۱	۰/۰۱۱	۰/۹۲۱	ایجاد سرزندگی
۰/۰۱۲	۰/۵۲۴	۰/۰۱۰	۰/۴۲۱	ایجاد فضاهای عمومی
۰/۰۰۱	۰/۲۱۱	۰/۰۱۲	۰/۲۴۶	استفاده از هنر عمومی
۰/۰۰۴	۰/۳۳۵	۰/۰۱۴	۰/۸۲۱	گسترش فضاهای قبل
۰/۰۱۱	۰/۴۲۵	۰/۰۱۲	۰/۶۵۵	ایجاد کاربری های متنوع
۰/۰۱۷	۰/۲۲۳	۰/۰۰۷	۰/۲۷۵	افزایش نوع عملکردها
۰/۰۱۵	۰/۵۲۹	۰/۰۰۲	۰/۷۵۴	حفظ جنبه های ارزشی(تاریخی، فرهنگی و...)

در نتایج بدست آمده از همبستگی اسپیرمن مشخص گردید که در حفره های شهری برلین کاربست تغییر کاربری با مقدار (۰/۹۶۲) بیشترین ضریب همبستگی و کمترین مربوط به افزایش نوع عملکردها با مقدار (۰/۲۷۵) است. در گروه حفره های شهر تهران بیشترین

همبستگی مربوط به تغییر کاربری با مقدار (۰/۹۴۱) است و کمترین همبستگی مربوط به استفاده از هنر عمومی با مقدار (۰/۲۱۱) است.

رگرسیون:

برای بررسی میزان سهم عاملی نیاز به استفاده از متغیر ملاک و متغیر پیش بین است در ماتریس همبستگی از مدل چندگانه با حدس نوع روابط خطی و یا غیر خطی به تدوین آن پرداخته می شود. همانطور که مشاهده می شود روابط در ابعاد زمینه گرایبی فاقد روابط خطی است و برای این منظور از رگرسیون چند متغیره بهره گرفته می شود.

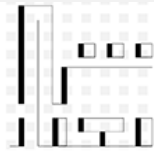


تصویر ۶: ماتریس همبستگی بین متغیرها

بر اساس نتایج رگرسیونی مشخص می شود

جدول ۶: رگرسیون گام به گام چند متغیره از اشتراکات مولفه های مداخلات باز آفرینی در تهران و برلین

مولفه	تهران			برلین			مولفه	
	معنی داری	B	F	ضریب تعیین	معنی داری	B		F
تغییر کاربری	۰.۰۲۲	۱/۰۰۰	۴۴/۵۷۱	۰/۹۶۲	۰.۰۲۱	۱/۰۰۰	۳۱۸/۵۰۱	۱/۰۰۰

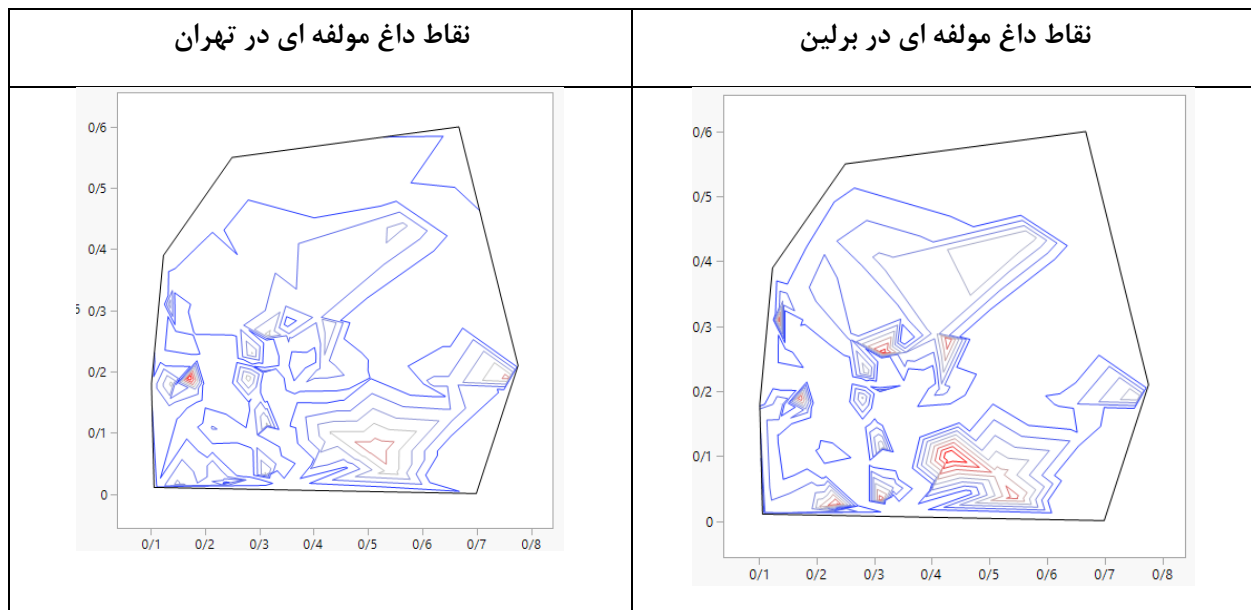


۰۰۱۱	۱/۰۰۰	۳۱/۳۶۵	۰/۳۷۲	۰۰۱۴	۱/۰۰۰	۵۴۴/۸۰۱	۰/۸۲۰	ایجاد جنب و جوش فضایی
۰۰۱۱	۱/۰۰۰	۳۱/۲۵۵	۰/۸۷۲	۰۰۲۲	۱/۰۰۰	۳۶۹/۸۵۷	۰/۷۸۹	استفاده از کاربری های محرک توسعه
۰۰۱۲	۱/۰۰۰	۵۸/۴۷۹	۰/۶۸۵	۰۰۱۱	۱/۰۰۰	۷۱۰/۵۰۶	۰/۶۵۸	سیالیت در ایجاد تغییرات
۰۰۰۱	۱/۰۰۰	۲۱/۹۸۲	۰/۵۹۷	۰۰۱۱	۱/۰۰۰	۶۵۸/۲۸۹	۰/۸۱۵	بازسازی و مرمت
۰۰۰۴	۱/۰۰۰	۱۱/۱۳۴	۰/۴۳۶	۰۰۱۲	۱/۰۰۰	۶۸۹/۵۶۶	۰/۳۴۳	حفظ عملکردهای خاص
۰۰۱۱	۱/۰۰۰	۲۴/۴۲۵	۰/۸۵۲	۰۰۰۱	۱/۰۰۰	۲۷۸/۳۱۴	۰/۸۹۵	تجمیع کاربری
۰۰۱۷	۱/۰۰۰	۲۳/۱۳۲	۰/۶۶۵	۰۰۰۴	۱/۰۰۰	۷۸۴/۵۸۶	۰/۷۵۶	استفاده از کالبد خاص
۰۰۱۶	۱/۰۰۰	۴۸/۱۲۱	۰/۲۱۳	۰۰۱۱	۱/۰۰۰	۱۷۴/۶۹۵	۰/۷۲۳	استفاده از ساختار خاص
۰۰۱۵	۱/۰۰۰	۴۷/۹۶۳	۰/۴۲۵	۰۰۱۷	۱/۰۰۰	۸۲۴/۲۶۱	۰/۷۴۵	تبدیل سلسله مراتب فضایی
۰۰۱۵	۱/۰۰۰	۴۹/۴۴۸	۰/۴۲۱	۰۰۱۵	۱/۰۰۰	۹۸۴/۳۵۵	۰/۲۵۵	ایجاد سرزندگی
۰۰۲۱	۱/۰۰۰	۱۵/۲۱۴	۰/۴۲۱	۰۰۲۱	۱/۰۰۰	۵۱۸/۳۵۰	۱/۰۰۰	ایجاد فضاهای عمومی
۰۰۳۸	۱/۰۰۰	۲۲/۲۱۶	۰/۶۱۵	۰۰۱۵	۱/۰۰۰	۱۵۹/۲۱۱	۰/۹۱۳	استفاده از هنر عمومی
۰۰۰۲	۱/۰۰۰	۲۲/۵۵۲	۰/۴۲۴	۰۰۲۱	۱/۰۰۰	۴۵۳/۵۸۸	۰/۵۲۲	گسترش فضاهای قبل
۰۰۲۲	۱/۰۰۰	۱۸/۳۵۴	۰/۴۲۳	۰۰۳۸	۱/۰۰۰	۴۳۹/۲۵۵	۰/۶۸۵	ایجاد کاربری های متنوع
۰۰۱۱	۱/۰۰۰	۳۲/۳۴۱	۰/۴۵۴	۰۰۰۲	۱/۰۰۰	۳۲۵/۵۶۵	۰/۶۹۵	افزایش نوع عملکردها
۰۰۱۱	۱/۰۰۰	۲۳/۳۲۴	۰/۳۴۱	۰۰۰۳	۱/۰۰۰	۸۳۵/۵۵۱	۰/۶۵۶	حفظ جنبه های ارزشی(تاریخی، فرهنگی و...)

بر اساس نتایج رگرسیونی مشخص می شود از اشتراکات مولفه ای مداخلات بازآفرینی بیشترین سهم عاملی مربوط به تغییر کاربری و ایجاد فضاهای عمومی با مقدار (۱/۰۰۰) و کترین مربوط به ایجاد سرزندگی با مقدار (۰/۲۵۵) است. و در گروه ایران بیشترین ضریب تعیین مربوط به تغییر کاربری با مقدار (۰/۹۶۲) و کمترین مربوط به استفاده از ساختار خاص با مقدار (۰/۲۱۳) است.

در مرحله آخر برای نیل به اثر گذاری انفرادی مولفه ها نسبت به هر پرسشنامه از تحلیل لکه های داغ (HOTSPOT ANALYSIS) بهره گرفته می شود. نتایج وارد نرم افزار می شود و نقطه های رنگ های گرم شدت اثر بیشتر مولفه ای را نشان می دهند. مولفه های مشترک مداخلات بازآفرینی در حفره های شهر برلین نقش پررنگ تری را دارند و از بهره گیری همزمانی با شدت اثر بالا تر استفاده شده است.

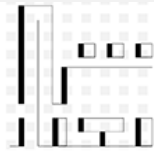
جدول ۷: نقاط داغ از مولفه های مشترک مداخلات بازآفرینی



بحث:

در بخش کیفی نتایج بدست آمده حاکی از این امر است که وجود افراد در فضا می تواند نقش تعیین کننده ای برای احیای بناهای بلا استفاده باشد. همچنین تغییر کاربری و تغییرات ساختاری با هدف دعوت کنندگی بیشتر افراد با افراد گروههای سنی متفاوت بوده و سعی به بهره گیری از کاربری های گوناگون برای تمامی گروههای سنی می باشد. در بخش کمی آمارهای توصیفی نشان از بزرگی مقدار مولفه ها در شهر برلین دارد و به نظر می رسد مولفه ها بدرستی توانسته اند نقش بهتری را در بازآفرینی مولفه ها در شهر برلین دارد و به نظر می رسد مولفه ها بدرستی توانسته اند نقش بهتری را در بازآفرینی بناها نمایند. همچنین میانگین حرکتی بر دقت اندازه گیری تاکید می کند از نظر پاسخ دهندگان احیای بافت در مولفه های تجمیع کاربری، استفاده از هنر عمومی و افزایش نوع عملکردها نتوانسته نقش چشمگیری داشته باشد. ضرایب همبستگی نیز اتحاد بیشتر بین مولفه ها را در شهر برلین نشان داده است و نکته حائز اهمیت نقش افزاینده مولفه ها بر یکدیگر می باشد.

در شهر برلین افزایش نوع عملکردها بر ارتقا دیگر مولفه ها نتوانسته نقش داشته باشد و در تهران بدلیل کاربست کمتر هنر عمومی این عامل نیز دارای سهم کمتر می باشد. اما تغییر کاربری با مقادیر مختلف نقش بهتری را برای افزایش دیگر مولفه ها دارد. همچنین



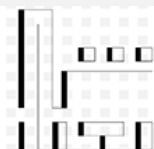
ضرایب تعیین در رگرسیون نیز بر تغییر کاربری و ایجاد فضاهای عمومی در برلین با حضور افراد را در بازآفرینی می داند اما تهران به تغییر کاربری بسنده کرده است و همچنین تغییر ساختار کالبدی نیز نتوانسته نقش چشمگیری را در احیای یافت داشته باشد.

نتیجه گیری:

در برلین، مرمت رویکرد ترجیحی برای حفظ آثار تاریخی است. مرمت شامل تمیز کردن و تعمیر دقیق سازه‌های موجود و همچنین استفاده از مواد و تکنیک‌های سنتی در صورت امکان است. هدف حفظ شخصیت و ظاهر اصلی ساختمان و در عین حال تضمین یکپارچگی ساختاری آن برای نسل‌های آینده است. در مقابل، در تهران اغلب از تغییر کاربری و بازسازی به عنوان وسیله‌ای برای مداخله در حفره‌های شهری استفاده می‌شود. این رویکرد شامل بازسازی سازه‌هایی است که آسیب دیده یا تخریب شده‌اند که اغلب با رویکرد تغییر کاربری و ماهیت اولیه بنا انجام می‌گیرد، در مواقع بازسازی با استفاده از مواد و تکنیک‌های مدرن مداخله صورت می‌گیرد. در حالی که هدف بازسازی ظاهر اصلی ساختمان است، این رویکرد می‌تواند منجر به سازه‌هایی شود که فاقد اصالت و یکپارچگی بنای اصلی هستند.

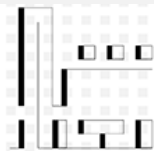
تفاوت کلیدی دیگر میزان مشارکت دولت در روند بازسازی یا احیاء است. در آلمان مقررات سختگیرانه‌ای برای احیای بناهای تاریخی وجود دارد و دولت نقش اصلی را در نظارت بر این تلاش‌ها ایفا می‌کند. در ایران، دولت نیز نقش مهمی ایفا می‌کند، اما ممکن است مقررات سطحی و شفافیت کمتری در فرآیند تصمیم‌گیری وجود داشته باشد. در مجموع، در حالی که هر دو کشور به حفظ میراث فرهنگی خود علاقه دارند، رویکردهای خاص آلمان و ایران منعکس‌کننده تاریخ و زمینه‌های فرهنگی منحصر به فرد آنها است. تأکید آلمان بر مرمت نشان‌دهنده تمایل به حفظ شخصیت و اهمیت اصلی بناهای تاریخی است، در حالی که تمرکز ایرانیان بر بازسازی، نشان‌دهنده تمایل به بازآفرینی گنجینه‌های فرهنگی گمشده است.

سخن آخر اینکه، کلانشهرها در ایران بویژه شهر تهران، دارای سابقه‌ی تاریخی در ایران تحت تأثیر سیاستهای توسعه در حال تخریب هستند، عدم اتخاذ تصمیمات صحیح و نبود اراده‌ای برای جلوگیری از فرسودگی، رها شدگی و طمع و سوداگری، باغ‌ها را به مخروبه‌هایی آماده‌ی قطع درختان و میراث معماری را مبدل به انبار مصالح می‌کند؛ تا نهایتاً با تخریب (ابتدایی‌ترین روش مداخله) پس از تولید کوهی از زباله ساختمانی علاوه بر آلودگی زیست محیطی با صرف هزینه‌های گزاف به تولید محصولات ساختمانی منجر می‌شود. تجربه آشکار کرده است که این برخورد جراح وار با اندام‌های خرد و کلان شهر از او نه زیبایی‌م‌پیکر، بلکه چشم اندازی ترسناک از خود بر جای گذاشته است که مشکلات هویتی تعلق خاطر و فشار به زیر ساخت‌های محدود شهرها را با خود به ارمغان آورده است. این مداخلات نه در هسته‌های ارزشمند تاریخی شهر که تا تک بناها و باغها و ... تسری یافته است، مجموعه‌ی این مداخلات شبکه‌ای از زشتی و بی هویتی و نابسامانی را به شهر ارزانی کرده است. شهر هویتش را از معابر و بناها و خاطرات خود دارد، نابودی این تصاویر نابودی این خاطرات شهر را از هویت و ارزش خود تهی می‌کند، هرچند بهانه‌ی آن تحمیل و لزوم افزون شدن عملکردها و نیاز به فضاهای بیشتر و جدیدتر باشد.

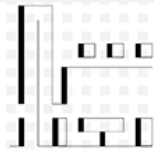


منابع:

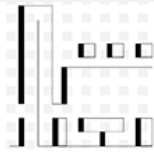
- باقری بهشتی، آیدا، حبیب، فرح، زرآبادی، زهرا سادات سعیده. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی منظر شهری خرمشهر و برلین در حفظ خاطرات جمعی. فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، ۱۴(۳۹)، ۴۵-۶۸.
- بحرینی، سیدحسن. (۱۳۷۶). فرآیند طراحی شهری، نشر تهران.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۹۴). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، انتشارات آرمان شهر، شهیدی، تهران، چاپ چهارم.
- پوراحمد، احمد، وفايي ابوذر. (۱۳۹۶). تاثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی-فضایی شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: شهر کاشان). مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷(۲۸)، ۶۳-۷۶.
- پیروی، مهناز، کبیرصابر، محمدباقر، پاکدل فرد، محمدرضا، فردوسی، عادل. (۲۰۲۱). بررسی تطبیقی بهره‌گیری از «فناوری معماری» در امر «حفاظت معماری» در ایران و غرب. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۹(۲)، ۱۰۳-۱۲۲.
- توسلی، محمود؛ بنیادی، ناصر. (۱۳۷۱). طراحی فضای شهری، جلد دوم، مرکز تحقیقات و مطالعات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۸). کتاب از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفدهم.
- حبیبی، سیدمحسن؛ مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۶). مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- خضری، زهره. (۱۳۸۷). نظری بر مرمت آناستیلوزی و تجارب اجرای آن در بناها و محوطه‌های فرهنگی، تاریخی ایران. مرمت و پژوهش، ۴(۲)، ۲۳-۳۲.
- شاه تیموری، یلدا، مظاہریان، حامد. (۱۳۹۰). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۷(۴)، ۱-۱۵.
- عندلیب، علیرضا، بیات، اشکان، رسولی، لیلیا. (۱۳۹۲). مقایسه و تطبیق بازآفرینی بافت‌های فرسوده‌ی شهری بلوک خیام تهران (ایران) و پروژه لیورپول ۱ (بریتانیا). آمایش محیط، ۶(۲۳)، ۷۹-۱۰۴.
- عندلیب، علیرضا، نیکراه، حدیث، ادیب، علی. (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی الگوهای نوسازی خارجی و داخلی و راهکارگزینی برای بافت‌های فرسوده ایران. هفت شهر، ۳(شماره ۳۹ و ۴۰)، ۵۶-۶۷.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۹). منشور آتن. انتشارات فضا (وابسته به موسسه علمی و فرهنگی فضا)، تهران، چاپ سوم.
- فیلدن، برنارد، یوکیلتو، یوکا، معلمی (مترجم)، بهرام. (۱۳۸۲). ارزش‌گذاری به منظور حفاظت. هفت شهر، ۱(شماره ۱۲ و ۱۳)، ۱۷-۲۵.
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی تاریخی ایران. انتشارات: نشر مرکز، تهران.
- کامروا، سید محمد علی. (۱۴۰۰). شهرسازی معاصر ایران ۱۳۴۲-۱۳۹۲. انتشارات: دانشگاه تهران، تهران.
- مجتهدزاده، غلامحسین. (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی شهری در ایران. انتشارات: دانشگاه پیام نور، تهران. چاپ دوم.
- مرصوصی، نفیسه. (۱۳۸۳). توسعه یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران. پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی پایدار، ۴(۱۴).



- مشهدی زاده دهاقانی، ناصر. (۱۳۹۰). تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران، چاپ دهم.
- میرزاحسینی، مرتضی، سلطان زاده، حسین. (۱۴۰۰). تبیین نقش معماری نازی بر معماری بناهای دولتی ایران (دوره پهلوی اول، بین سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰). باغ نظر، ۱۸(۹۵)، ۶۱-۷۴.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۷۹). رابطه هویت «سنت معماری ایران» با «مدرنیسم» و «نوگرایی». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، صص ۷۹-۹۱.
- Arandjelovic, B. (2012). Visual impressions: Architecture and art in public space in Graz (pp. 217). Leykam Verlag.
- Asbagh, N. B. (2022). Theories of Conservation and Scientific Restoration from Gustavo Giovannoni's Point of View. In Proceedings of the International Conference of Contemporary Affairs in Architecture and Urbanism-ICCAUA (Vol. 5, No. 1, pp. 648-658).
- Banac, I. (2014). Twenty-five years after the fall of the Berlin Wall. East European Politics and Societies, 28(4), 653-656.
- Bernt, M., Grell, B., & Holm, A. (2013). The Berlin reader: A compendium on urban change and activism. transcript Verlag.
- Black, M. (2010). Death in Berlin: from Weimar to divided Germany. Cambridge University Press.
- Bodenschatz, H. (2010). Berlin urban design: A brief history (pp. 139). Dom Publishers.
- Clark, J., & Wise, N. (Eds.). (2018). Urban renewal, community and participation. Springer International Publishing.
- Colomb, C. (2013). Staging the New Berlin: Place marketing and the politics of urban reinvention post-1989. Routledge.
- DeVillar, R. A., & Jiang, B. (2012). From student teaching abroad to teaching in the US classroom: Effects of global experiences on local instructional practice. Teacher Education Quarterly, 39(3), 7-24.
- Engel, J. A. (Ed.). (2009). The Fall of the Berlin Wall: The revolutionary legacy of 1989. Oxford University Press.
- Feversham, P., & Schmidt, L. (1999). Die Berliner Mauer heute (pp. 192). Denkmalwert und Umgang: Verlag Bauwesen.
- Friedrich, T. (2012). Hitler's Berlin: Abused City. Yale University Press.
- Gittus, E. J. (2002). Berlin as a Conduit for the Creation of German National Identity at the End of the Twentieth Century. Space and Polity, 6(1), 91-115.
- Glancey, J. (2009). 'A rebirth in Berlin'— Guardian 16 March 2009.
- Guzmán, T., & Zasha, N. (2009). Historic Buildings and Contemporary Additions: the Elements of a Cohesive Design Relationship; Directed By: Dr. Donald W. Linebaugh; School of Architecture Planning and Preservation, University of Maryland College Park.
- Helmer, S. (1980). Plans for reshaping the central city developed by Albert Speer (pp. 446). Cornell University.
- Hobrecht, J. (1884). Die Canalisation von Berlin (Vol. 1). Ernst & Korn.



- Holborn, H. (1982). A history of modern Germany: 1840-1945 (Vol. 3). Princeton University Press. <https://www.icomos.org>
- Huysen, A. (1997). The voids of Berlin. *Critical Inquiry*, 24(1), 57-81.
- Jokilehto, J. (2006). World Heritage: Defining the outstanding universal value. *City & time*, 2(2), 1-10.
- Kolb, E. (2008). *The Weimar Republic*. Routledge.
- Ladd, B. (2008). *The ghosts of Berlin: confronting German history in the urban landscape*. University of Chicago Press.
- Leibinger, R. (2002). Berlin: The dialectics of decentering. In *Post Ex Sub Dis: Urban fragmentations and constructions* (pp. 100–109). 010 Publishers.
- Machat, C., Ziesemer, J., & Petzet, M. (2008). *Heritage at risk: ICOMOS World Report 2006-2007 on monuments and sites in danger*. hendrik Bäbeler verlag.
- Major, P. (2009). *Behind the Berlin Wall: East Germany and the frontiers of power*. OUP Oxford.
- Meskel, L. (2012). The rush to inscribe: Reflections on the 35th Session of the World Heritage Committee, UNESCO Paris, 2011. *Journal of Field Archaeology*, 37(2), 145-151.
- Molnar, V. (2010). The cultural production of locality: reclaiming the 'European city' in post-Wall Berlin. *International Journal of Urban and Regional Research*, 34(2), 281-309.
- Morris, A. E. J. (2013). *History of urban form: Before the industrial revolution*. Routledge.
- Moss, T. (2020). *Remaking Berlin: A History of the City Through Infrastructure, 1920-2020*. MIT Press.
- Pugh, E. (2014). *Architecture, politics, and identity in divided Berlin*. University of Pittsburgh Press.
- Richie, A. (1998). *Faust's metropolis: A history of Berlin* (p. xxxviii). London: HarperCollins.
- Richter, Christopher (2009). *Reconstruction of Berlin's Neues Museum vexes traditionalists*.
- Schmidt, L., & von Preuschen, H. (2005). On both sides of the wall. *Preserving monuments and sites of the cold war era* (pp. 120). Westkreuz-Verlag.
- Strom, E. (2001). *Building the New Berlin. The politics of urban development in Germany's capital city* (pp. 263). Lexington Books.
- Taylor, J. (1999). *Berlin and its Culture: a historical portrait*. European Business Review.
- Till, K. (2005). *The New Berlin: Memory, politics, place* (p. 279). Minneapolis: Univ. of Minnesota Press.
- Warren, J - J Worthington - S Taylor (1998), *Context: New Buildings in Historic Settings*, Architectural Press, New York.
- Wetzel, D. (Ed.). (1996). *From the Berlin Museum to the Berlin Wall: Essays on the Cultural and Political History of Modern Germany*. Greenwood Publishing Group.
- Whyte, I. (2007). Berlin reconstructs. In *Reality bites: Making avant-garde art in postwall Germany* (pp. 225–253). Hatje Cantz.
- Wilke, M. (2014). *The path to the Berlin Wall: Critical stages in the history of divided Germany*. Berghahn books.



Numerical comparison of the commonalities of the components of urban hole regeneration interventions in Tehran and Berlin

Abstract

With the advent of the industrial revolution in the 18th century, fundamental changes were achieved in the economic, social, cultural structure and production and consumption systems of human societies, which can be said that cities and urbanization have entered a new stage of their cycle of transformations, of which there were no signs or traces in previous periods; the extent of the changes and developments has been to the extent that it led to the emergence of a movement called modernism and modernization in developing and developed countries, which chose cities themselves as the origin of developments to consolidate their intellectual patterns and principles. The purpose of this study is to investigate the effectiveness of the components of regeneration interventions in dealing with urban holes in the historical context of the two cities of Berlin (as the capital of a developed country) and Tehran (as the capital of a developing country). The research method is a nested qualitative-quantitative nest-to-nest type. First, the commonalities of how to deal with urban holes are extracted, and then, based on the introduced projects and filling in the effectiveness of the components in the quantitative stage, the scholars are asked with the Eckert spectrum questionnaire. In the qualitative part, ATLASTI software is used, and in the quantitative part, GRAPHER software is used. The results show that of the component commonalities of regeneration interventions, the highest factor contribution is related to change of use and creation of public spaces with a value of (1.000) and the lowest is related to creating vitality with a value of (0.255). And in the Iranian group, the highest coefficient of determination is related to change of use with a value of (0.962) and the lowest is related to the use of a specific structure with a value of (0.213.)

Keywords: Numerical comparison, regeneration interventions, urban holes, Iran and Berlin